

«دل و دلدادگی»



۴

«دل و دلدادگی»، نوشته شهپر یار مندنی پور، دیگر رمان شاخصی است که درباره دفاع مقدس منتشر شده است. این رمان دوجلدی به سه مقطع تاریخ ایران یعنی حوادث انقلاب، سال‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و زلزله رودبار می‌پردازد. نویسنده در این رمان، از پس شخصیت‌پردازی‌ها به خوبی برآمده است و این موضوع یکی از نقاط قوت «دل و دلدادگی» محسوب می‌شود.

«آواز نیمه شب»



۵

«داوود غفارزادگان» از نویسندگان صاحب‌نام ادبیات نوجوان پس از انقلاب اسلامی است. ویژگی مهم این نویسنده، روایتی درست و ناب از زمان خود و رویدادهای آن در داستان‌هایی است که می‌نویسد. آثاری که در کنار تمامی المان‌های روایی دارای جنبه‌های مهمی از جامعه زمان خود هستند. «آواز نیمه‌شب» نمونه‌ای از همین دست است که داستانی در بستر جنگ ایران و عراق را روایت می‌کند.

«در شعله‌های آب»



۶

این اثر «مرتضی مردیها» هم یکی از آثاری است که پیرامون دفاع مقدس نوشته شده اما مانند «زمین سوخته» در زمان انتشار چندان مورد توجه قرار نگرفته است. البته وجه شباهت این رمان به اثر احمد محمود، به محتوا هم کشیده شده است و در بخش‌هایی از رمان مخاطب به یاد «زمین سوخته» می‌افتد. از ویژگی‌های مهم این رمان، توجه و ریزبینی نویسنده در روایت یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است.

داستانی، راوی به هیچ عنوان بر نویسنده منطبق نیست و تنها بخشی از داستان است که البته در شکل و جهت دادن به نگاه خواننده نسبت به وقایع داستان تاثیر دارد. برخی منتقدان از این نیز پیش‌تر می‌روند و بر این عقیده‌اند که حتی در آثاری چون زندگی‌نامه نیز باید تمایز میان راوی و نویسنده مشخص باشد.

با این تفاسیر، به سراغ راوی «زمین سوخته» می‌رویم. راوی در «زمین سوخته» یکی از برادران خانواده‌ای است که اکثرشان از شهر خارج شده‌اند و فقط او به همراه دو برادر دیگرش در شهر باقی مانده‌اند؛ در نهایت و بر اثر اتفاقات رمان، تنها کسی که از آن خانواده در اهواز باقی می‌ماند، راوی است.

کتاب با زاویه دید اول شخص شروع می‌شود و تا پایان پیش می‌رود اما راوی زمین سوخته، راوی پای‌بندی به قواعد زاویه دید نیست. در حقیقت او بیش از آنکه در شکل‌گیری زاویه دید نقش داشته باشد، در نقش وقایع‌نویس ظاهر شده است. دلیل انتخاب این شیوه روایت و این زاویه دید از سوی نویسنده برای روایتی تا این حد بیرونی مشخص نیست. به بیانی دیگر، انتخاب زاویه دید اول شخص برای روایت‌های بیرونی محدودیت‌های بسیاری را برای نویسنده به همراه می‌آورد که اگر نویسنده نتواند راه حلی برای آن بیابد، ناگزیر روایت به سمت زاویه دید دانای کل متمایل می‌شود. چنانچه همین اتفاق برای راوی این اثر رخ می‌دهد و در بسیاری از گفت‌وگوهای کتاب و یا شرح و توصیف وقایع، راوی چنان منفعل است که گویا حضور ندارد و روایت از طریق دانای کل پیش می‌رود.

علاوه بر این، مشخص نبودن ابعاد شخصیتی راوی، بیش‌ازپیش او را به گزارش‌دهنده صرف اوضاع بدل کرده است. ما تقریباً هیچ اطلاعاتی از راوی نداریم. نام او را نمی‌دانیم. نمی‌دانیم او فرزند چندم این خانواده است، شغلش چیست و به چه علت علی‌رغم اینکه تمام اعضای خانواده‌اش شهر را ترک کرده‌اند، در اهواز باقی می‌ماند. آیا مانده است تا فقط لیزی باشد که نویسنده می‌خواهد از نگاه او اهواز را به ما نشان دهد؟ همین مشخص نبودن علت ماندنش در اهواز، منطق داستانی را زیر سوال می‌برد و انتخاب این راوی برای روایت‌گری، بیش‌ازپیش مغایر با منطق داستانی جلوه می‌کند. در واقع راوی منفعلی که در «زمین سوخته» وجود دارد، بیش‌تر از اینکه راوی مستقلی باشد که نویسنده آن را با تمام ابعادش آفریده است، به چشم و زبان نویسنده می‌ماند و انگار تنها برای این در داستان قرار گرفته تا آنچه نویسنده می‌خواهد به مخاطب نشان دهد.

اینجاست که مرز بین راوی و احمد محمود، گاه‌وبی‌گاه در سیر روایت گم می‌شود.

با همه این حرف‌ها نمی‌توان اهمیت این کتاب را در بین آثار ادبی‌ای که پیرامون جنگ تحمیلی نوشته شده‌اند، نادیده گرفت. گزارش واقع‌بینانه کتاب از سه ماه اول جنگ و بازنمایی هول و هراس مردم در «زمین سوخته» در نوع خود کم‌نظیر است. احمد محمود به‌عنوان کسی که خود تمام وقایعی را که بر جنوب گذشته و از نزدیک درک و لمس کرده است، در سمتی از روایت ایستاده است که از اغراق و مبالغه منزه است. او در واقع‌گرایی مطلق از جنگ و مصیبت‌هایش حرف زده است و به نظر می‌رسد که توانسته هدف نخستینی که از نگارش این رمان داشته را به عمل درآورد.

«زمین سوخته» دو سال بعد از شروع جنگ تحمیلی منتشر شد تا صدای وضعیت جنوب را به سایر نقاط ایران برساند.

مهم‌ترین صحنه‌هایی هستند که در این آثار بدان‌ها پرداخته می‌شود. آثاری که علاوه بر رمان، داستان کوتاه و شعر و نمایش‌نامه و گونه‌های دیگر ادبی را نیز دربرمی‌گیرند.

این بخش از ادبیات که در تلاش است با نمایش چهره سراسر تاریخ جنگ، جهان را به اجتناب از آن دعوت کند یا صدای جنگ‌زدگان در طول تاریخ باشد، ادبیات ضدجنگ را تشکیل می‌دهد. «ارنست همینگوی» به‌عنوان کسی که تجربه حضور در جنگ جهانی اول را داشته، یکی از معروف‌ترین نویسندگان ادبیات ضدجنگ است.

در ایران نیز به‌واسطه جنگ هشت‌ساله و هجوم حزب بعث به مرزها و شهرهای جنوبی ایران، آثار ادبی حول محور جنگ، سهم بسزایی را در ادبیات معاصر به خود اختصاص داده‌اند. آثاری که به دلیل محور موضوعی‌شان ناگزیر از توصیف تیرگی‌های جنگ هستند و می‌توان آن‌ها را در زمره ادبیات ضدجنگ دسته‌بندی کرد.

«زمین سوخته» احمد محمود نیز از این قاعده مستثنی نیست. سراسر کتاب، نمایشی از رنج و درد مردمی است که به‌ناگاه از زندگی‌های عادی‌شان جدا شده‌اند و با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

«زمین سوخته» جنگ را در لایه‌های مختلف زندگی مردم عادی نشان می‌دهد. آشننگی حاکم بر فضای رمان نه‌تنها در توصیفات، که در فرم کلی اثر نیز نمایان است. پرش‌های ناگهانی راوی به گفت‌وگوهای گذشته، که البته آنقدری نیست که اثر را از فضای رئال خارج کند، فضای پریشانی را در سیر اثر به وجود آورده است که در راستای محتوا پیش می‌رود. در واقع باز هم عنصر توصیف جزئیات در کنار تکنیک فرمی قرار گرفته است تا نمایشی تمام‌عیار از سیاهی‌های جنگ را از پس کلمات رمان به مخاطب نشان دهد.

رمان پس از مقدمه‌ای نسبتاً طولانی که مخاطب را با شخصیت‌ها و فضای کلی آشنا می‌کند، به شکل جدی‌تری وارد فضای شهری می‌شود و مخاطب را با مردم کوچک و بازار و جو کلی شهر مواجه می‌کند. هر چه رمان بیشتر پیش می‌رود، مرگ بیشتر و بیشتر بر فضا سایه می‌گسترند. در حقیقت آوارگی و مرگ، دو پیامد عمده جنگ هستند که در این اثر به موازات یکدیگر پیش می‌روند. شهری که گروه‌گروه از جمعیت تهی می‌شود و در این رفتن یاس و دل‌شوره موج می‌زند و آنان که به هر دلیلی ماندن را برمی‌گزینند، با مرگ همسایه می‌شوند.

توصیف راوی از قطاری که مملو از جمعیتی هراسان است، یکی از توصیفات غم‌انگیز کتاب است؛ که در قابی کاملاً واقع‌گرایانه به دور از نزدیک شدن به سوز و آه رمانتیسیم، یکی از پیامدهای تلخ جنگ را نشان می‌دهد. در حقیقت راوی وقایع پیرامون خود را طوری توصیف می‌کند که تو گویی در حال تماشای مستندی هستی از یک شهر درگیر جنگ. سعی نمی‌کند مضاف بر آنچه که باید، حرف بزند. او فقط می‌گوید و عبور می‌کند و در همین گفتن و عبور کردن است که بوی تلخ باروت شامه را پرمی‌کند.

راوی یا احمد محمود

«راوی» در داستان و رمان به شخصی اطلاق می‌شود که قصه را تعریف می‌کند. در حقیقت راوی نه نویسنده، که آفریده نویسنده است. تمایز راوی با نویسنده نهفته در آثاری که راویان ناموثق دارند، بیش از سایر آثار خود را نشان می‌دهد. به طور کلی منتقدان ادبی عقیده دارند که در اثر



«زمین سوخته»

جنگ را در لایه‌های مختلف زندگی مردم عادی نشان می‌دهد. آشننگی حاکم بر فضای رمان نه‌تنها در توصیفات، که در فرم کلی اثر نیز نمایان است. پرش‌های ناگهانی راوی به گفت‌وگوهای گذشته، که البته آنقدری نیست که اثر را از فضای رئال خارج کند، فضای پریشانی را در سیر اثر به وجود آورده است که در راستای محتوا پیش می‌رود.